دموکراسی و اصول حاکم بر انتخابات آزاد و منصفانه

حسن خسروی *

چکیده

در این مقاله به بررسی اصولی پرداخته شده است که تضمین بخش برگزاری انتخابات دموکراتیک می‌باشند و به نوعی در صورت فقدان هریک از آن اصول دیگر نمی‌توان شاهد انتخابات اصیل، آزاد و منصفانه که از شاخصه‌های مهم نظام دموکراتیک می‌باشند، بود. از آنجایی که انتخابات اصیل و دموکراتیک بر پایه‌های ارزشی بنیادینی نظیر کرامت انسانی، آزادی اراده، مختاریت و حق تعیین سرنوشت موجه‌سازی می‌شود، لذا به اصولی اشاره می‌شود که در عمل تجلی‌بخش چنین ارزش‌هایی باشند. این اصول در سه دسته اصول ارزشی و ماهوی، اصول کارآمدی و رویه‌ایی و اصول تشکیلاتی و سازمانی تقسیم بندی می‌شود.

واژه‌گان کلیدی

انتخابات، حق رأی، دموکراسی، نظام دموکراتیک، عدالت، آزادی، برابری، انتخابات آزاد و منصفانه.

---

* دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی.

مقدمه

شکل‌گیری هر نظام سیاسی وابسته به یک سری اصول و توجیهات متناسب با نظام ارزشی موجود در جامعه می‌باشد. به عبارتی، منظور از اصول حاکم بر یک نظام سیاسی مجموعه دستورات و الزامات بایدی و نبایدی است که جهت‌دهنده تصمیمات و اقدامات مختلف حکومتی نظیر قانونی، سیاسی، قضایی و اداری است و بر پایه این اصول است که نظام سیاسی و حقوقی سازماندهی و اجرا می‌شود و همچنین قوانین و مقررات، سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های حکومتی در پرتو آن‌ها تنظیم می‌شود. البته باید متذکر شد که این اصول نیز خود متأثر از نوع نگرش و رویکردی است که به انسان و اجتماع می‌شود. با توجه به اینکه مبنای نظری انتخابات دموکراتیک بر اساس کرامت ذاتی انسان، فاعلیت اخلاقی، آزادی و خودمختاری و حق تعیین سرنوشت انسان پایه‌گذاری شده است، لذا محقق نمودن این پایه‌ها نیازمند تأسیسات محکم، معقول و منطقی است که خود می‌بایستی در انطباق و سازگاری با بنیادها و پایه‌ها باشد. از آنجایی که محور مقاله تبیین و تشریح اصول اساسی انتخابات آزاد و منصفانه و دمکراتیک است، لذا به اصولی اشاره می‌شود که تثبیت و تقویت‌کنندهٔ نظام انتخابات دمکراتیک باشد، هرچند ممکن است هر نظامی با هر محتوایی برای خود اصولی پایه‌ایی برای ادارهٔ امور عمومی داشته باشد. حال این اصول در سه عنوان اصول ارزشی و ماهوی، اصول کارآمدی و رویه‌ایی و اصول تشکیلاتی و سازمانی سازماندهی می‌شود.

گفتار اول: اصول ارزشی و ماهوی

ارزش‌ها، مجموعه باورها و اعتقادات و ایده‌هایی است که مردم نسبت به خود و جامعه دارند. منظور از اصول ارزشی و ماهوی، اصولی هستند که بر پایه ماهیت بشر، فطرت و طبیعت انسانی تکیه دارند و به نوعی در راستای حفظ کرامت انسانی و صیانت از حرمت و

هویت بشری می‌باشند. لذا نظام سیاسی‌ایی شایسته محسوب می‌شود که با این رویکرد شکل بگیرد و اقدامات و تصمیماتش بر این اساس تنظیم، طراحی و اجرا شود. امروزه نظام‌های دمکراتیک بیش از هر نوع دیگر نظام سیاسی، در این مسیر انسانی حرکت می‌کنند. «فرض اساسی این ایده (نظام دمکراتیک)، کرامت و شرافت برابر انسان است و ارزش محوری آن نیز حق تعیین سرنوشت و استقلال انسانی، یعنی حق برخورداری انسان از حق تصمیم‌گیری در زندگی و پیروی نکردن از دیگران می‌باشد».[۱] در این نظام اهمیت خاصی به تصمیمات جمعی داده می‌شود. به عبارت دیگر، «تصمیمات جمعی نیازمند سازش و مصالحه و سازگاری متقابل‌اند و نه ابراز اراده فردی، استقلال فردی در تصمیم‌گیری‌های جمعی تا آن حد به رسمیت شناخته می‌شود که به نظر هر کس احترام گذارده و به عقاید همه افراد در فرآیند تصمیم‌گیری اهمیت داده شود».[۲] «همین اندازه که به همه شرکت‌کنندگان به منزله عوامل تعیین‌کننده سرنوشت خود در فرآیند تصمیم‌گیری جمعی احترام گذاشته، می‌توان استدلال کرد که دو پیامد مفید دیگر نیز به دنبال می‌آید: یکی این که در این شیوه نسبت به دیگر شیوه‌های تصمیم‌گیری، احتمال بیشتری سراغ داریم که نتایج کار منافع شرکت‌کنندگان را برآورده کنند و خیر عمومی را تحقق بخشند و دیگر اینکه، احتمال این‌که افراد شرکت‌کننده مختارانه از فرمان‌ها و تکالیف آن پیروی کنند نیز زیادتر است. زیرا، فرصت آن را داشته‌اند که آرای خود را مطرح و آن‌ها را در فرآیند تصمیم‌گیری منظور کنند».[۳] در مجموع «یک نظام دمکراتیک و مردمی بر مبنای

---

۱. بیتام، دیوید، دمکراسی و حقوق بشر، ترجمه محمد تقی دلفروز، (تهران: طرح نو، چ اول، ۱۳۸۳) ، ص ۲۲.

۲. همان.

۳. همان، ص۲۳.

تحقق اهداف و ارزش‌هایی شکل گرفته‌اند که ماهیت و سرنوشت جمعی و مشترک دارند و تحقق اراده مشترک مردم آرمان عالی نظام سیاسی و ساختار و تشکیلات سیاسی و اجرایی آن محسوب می‌شود».[۴] اهم اصول ارزشی و ماهوی به شرح ذیل می‌باشند:

الف) اصل آزادی سیاسی (Political freedom)

انسان به دلیل انسان بودن و داشتن ارزش و کرامت انسانی و عدم وجود دلیلی برای برتری شخص بر شخص دیگر، از حقوق برابر و یکسانی برخوردار است.[۵] اگر قبول کرده‌ایم که انسان حق انتخاب و تغییر و تبدیل دارد، آزادی کامل، عدم اجبار و تحمیل و دخالت و منع از طرف حکومت امری ضروری و لازم جلوه می‌کند. اهمیت آزادی سیاسی به عنوان یکی از اصول ارزشی و ماهوی نظام انتخابات دمکراتیک از آن جهت است که هنگامی آزادی سیاسی در جامعه رشد نماید، به طبع «این امکان برای همه شهروندان به‌طور یکسان ایجاد می‌شود تا در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش و تصدی قدرت سیاسی و نظارت بر آن مشارکت فعال داشته باشند».[۶] همچنین در صورت نبود چنین آزادی، نمی‌توان انتظار انتخابات دمکراتیک و آزاد و منصفانه را داشت. زیرا، اعمال حق رأی و انتخاب کردن و مشارکت آگاهانه نیازمند داشتن امکان و فضای مقتضی ابراز ایده‌ها و تمایلات و اعتقادات است.

---

۴. زارعی، محمد حسین، جزوه درسی حقوق اساسی (۲) ، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول ۸۴-۱۳۸۳، ص ۳۰.

5 . Brenkert, Gorge. G, Political Freedom, (London and New York: Rutledge Press, 1991), p 3.

۶. جهان بزرگی، احمد، آزادی سیاسی، (تهران: کانون اندیشه جوان، چ اول، ۱۳۸۱)، ص ۵۸.

آزادی سیاسی به این معنا است که «فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی، شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور خود نائل آید و یا در مجامع، آزادانه عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید».[۷]

ب) برابری سیاسی (Political equality)

اصل برابری سیاسی مبین این است که «افراد با یکدیگر به منزله افرادی برابر رابطه داشته باشند و بنابراین دولت نیز با همه آن‌ها چنین رابطه‌ای داشته باشد».[۸] اصل برابری نشأت گرفته از نگرش والا به حرمت داشتن و کرامت ذاتی وی است که دربردارنده هیچ‌گونه تمایزی ارزشی بین انسان‌ها نیست، لذا اعمال هرگونه تبعیض یا وسیله قراردادن انسان هیچ دلیل مشروعی ندارد. از این حیث برابری حاوی این پیام است که «تمام مردم دارای حقوق و تکالیف یکسان هستند».[۹] اصل برابری سیاسی امروزه از عناصر اساسی نظام دمکراتیک و یکی از آرمانهای اساسی بشری شده است که عدم توجه و غفلت از آن، خودکامگی و استبداد در نظام سیاسی را به همراه خواهد داشت.[۱۰] این اصل به همراه «اصل نظارت همگانی از جمله اصول پایه‌ایی و بنیادین یک نظام دمکراتیک محسوب می‌شود».[۱۱] برابری سیاسی مستلزم این است که هر شهروندی از یک شانس برابر در اجرای حق‌های

---

۷. طباطبائی موتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۰)، ص ۹۶.

۸. سویفت، آدام، فلسفه سیاسی، ترجمه پویا موحد، (تهران: ققنوس، چ اول، ۱۳۸۵)، ص ۱۴۹.

۹. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، (تهران: نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۴)، ص ۲۱۶.

10 . Philips, Anne, Which Equalities Matter?, (USA: Polity Press, 1999), p 3.

۱۱ . بیتام، دیوید، دمکراسی و حقوق بشر، پیشین، ص ۱۸.

سیاسی خود با اثرگذاری کارآمد در شکل‌گیری و اداره نظام سیاسی برخوردار باشد. به منظور نائل‌شدن به این مهم، برابر نمودن حق رأی و همگانی کردن مشارکت، امری واجب محسوب می‌شود. لذا نظام‌های مردمی و دمکراتیک بیش از سایر نظام‌های سیاسی می‌توانند رعایت‌کننده چنین مفهومی از برابری سیاسی باشند؛ زیرا، نظام دمکراتیک، «نظامی است که به هر فرد اختیار یکسان در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری را تا حداکثر ممکن اعطا می‌کند».[۱۲] بر این اساس، یکی از اصول بنیادین و ارزشی نظام دمکراتیک و انتخابات آزاد و منصفانه، برابر انگاشتن ترجیحات و منافع همه شهروندان است که می‌توان آن را در قالب جملات «یک شخص، یک رأی، برابری نزد قانون، حق‌های برابر آزادی بیان»[۱۳] خلاصه نمود.

پ) اصل عدالت سیاسی (Political justice)

عدالت از جمله مباحث مهم در فلسفه سیاسی و حقوقی است. «مهم‌ترین مسأله عدالت قابل دفاع ساختن روابط نابرابر در جامعه است و اصل اولیه و مهم این است که حقوق افراد در جامعه به نحوی باید سامان داده شود».[۱۴] مفاهیم و تفاسیر مختلفی از منظر اندیشمندان و مکاتب مختلف در خصوص عدالت مطرح شده است که طرح آن‌ها خارج از حیطه و قلمرو این مقاله است. به‌طور مختصر می‌توان گفت: «عدالت فضیلتی است که نظام طبیعت

---

۱۲ . نلسون، ویلیام، در توجیه دمکراسی، ترجمه علیرضا پارسا، (تهران: نشر دیگر، چ اول، ۱۳۸۴)، ص ۳۳.

13. Verba, Sindy, “Political Equality”, Harvard University, 2001. www.russellsage.org /programs /main /inequality. pdf.

۱۴. حقیقت، سید صادق، «اصل عدالت سیاسی»، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره دوم و سوم، بهار و تابستان ۱۳۷۶، ص ۳۶۸.

بر آن مبتنی است و افراد بشر سعادت پایدار خود را متکی بر استقرار آن می‌دانند و آن را به عنوان معیار لازم‌الاجرا حاکم بر امور و سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود طلب می‌کنند».[۱۵]

با ارائه تعریف جامعی از عدالت، حال باید دید عدالت سیاسی در یک نظام دمکراتیک و ارتباط آن با انتخابات آزاد و منصفانه چیست؟ منظور از عدالت سیاسی آن است که «امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه تأمین‌کنندهٔ این فضای عادلانه خواهد بود. حقوق طبیعی افراد در هر جامعه سیاسی برای حکومت ایجاد تکلیف می‌کند. وفاداری به این تکلیف مستلزم میثاقی است که بر اساس آن، حکومت منتخب مردم، برای مردم، پاسخگوی مردم باشد. به این ترتیب بین عدالت و سیاست رابطه منطقی برقرار می‌شود که در آن حکومت منتخب مردم مسؤول و قابل مؤاخذه باشد».[۱۶] لازمه برقراری چنین رابطه منطقی برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه با تأمین حق مشارکت عام و برابر برای کلیه شهروندان خواهد بود. زمانی می‌توان شاهد عدالت سیاسی بود که نظام زمامداری دربردارنده اصول ارزشی و بنیادین آزادی اراده شهروندان، حق گزینش آزاد و آگاهانه، مشارکت آگاهانه و برابر در اداره عمومی‌باشد. اگر عدالت سیاسی در خصوص شهروندانی باشد که کنترل مؤثری بر تصمیم‌گیری سیاسی در کشور را دارند، پس حوزه انتخابات و فرآیند انتخاباتی یک گزینه کلیدی و اساسی برای مرتبط کردن انتخابات با عدالت سیاسی است و اینکه انتخاب آزاد و منصفانه زمانی

۱۵. هاشمی، سید محمد، جزوه درسی حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول، ۸۱-۱۳۸۰، ص ۵.

۱۶. هاشمی، سید محمد، پیشین، ص ۶۹.

جلوه خارجی را خواهد داشت که در آن شاهد عدالت سیاسی باشیم.[۱۷] به هر حال اگر این توافق وجود داشته باشد که انتخابات و فرآیند انتخاباتی، ابزارها و وسایلی هستند که از طریق آن مردم قدرت و صلاحیت خود را به نمایندگان جهت اداره امور عمومی واگذار می‌کنند، پس فرآیندهای انتخاباتی مشروع و معتبر هسته مرکزی عدالت سیاسی می‌شود.

ت) اصل عدم تبعیض (Non-discrimination)

تبعیض، نابرابری و تعصب در سراسر دنیا بسیار اتفاق افتاده است و همچنان شاهد این واقعه تلخ ضد بشری هستیم. «نظام بردگی آمریکا، واقعه هولوکاست، آپارتاید آفریقایی از تلخ‌ترین وقایع تبعیض‌آمیز محسوب می‌شوند که نشان‌دهنده تجاوزی آشکار به حرمت و کرامت انسانی است».[۱۸] بر اساس چنین تجربیات تلخی، امروزه اکثر کشورها، درصدد از بین بردن عوامل تبعیض‌آمیز به موجب قوانین و مقررات حقوق بشری می‌باشند. لذا نظام‌های دمکراتیک مدرن، «بر اساس نرم‌ها و ارزش‌های حقوق بشری تأسیس و بر همان مبنا نیز محدود و تکالیف‌شان مشخص می‌شود».[۱۹]

اصل عدم تبعیض در بحث انتخابات و حق مشارکت سیاسی، نقطه پایه‌ایی ایده دمکراتیک است. به این معنی که در نظام دمکراتیک، افراد از حیث ذاتی و ماهوی با هم

17. Tungwarara, Ozias, “Political Justice”, 2004. http://archive. Idea.int/etters /2004.pdf.

18. Harris, David, The International Convention Civil and Political Rights and United Kingdom Law, (Oxford: Clarendon Press, 1995), p.563.

19. Wheantley, Steven, “Non-Discrimination and Equality: in The Right to Political Participation for Minorities”, 2002. www.ecmi.de/jemie/download/focus 3-2002. wheathley. pdf.

برابر و دارای خصلت ارزشی برابرگونه می‌باشند. لذا «زمانی می‌توانیم از برابری انسان سخن به میان آوریم که نتوانیم، یعنی نباید یک یا گروهی از انسان‌ها را وسیله یا ابزاری برای رسیدن به اهداف دیگر انسان‌ها قرار داد. یعنی همان اصل ممنوعیت ابزار قرار دادن انسان است. برابری ارزشی برآمده از این ممنوعیت است و به این معنا که نمی‌توان هیچ انسانی را از آن جهت که انسان است، از حیث ارزشی از انسان‌های دیگر برتر یا فروتر داشت».[۲۰] از این رو «اصل برابری ارزشی از اصل غایت بودن انسان نتیجه می‌شود، باری چنانچه اصل غایت بودن انسان‌ها مورد سؤال واقع شود، در دفاع می‌توان گفت که این یک اصل و یا ایده پیشینی در حوزه ارزش‌ها می‌باشد، یعنی به نحو پیشین آن را صادق می‌گیریم و برای آن استدلال ایجابی ارائه نمی‌کنیم. به عبارتی، در اینجا استدلال سلبی یا تدافعی برای اصل یاد شده پیش نهاده‌ایم ... رد اصل مزبور به معنای روا داشتن ترجیح ناروا و تبعیض میان انسان‌ها است».[۲۱] در واقع چنین کرامتی، مختص انسان است و انسان به دلیل داشتن صفات الهی،[۲۲] برتر از سایر موجودات شناخته شده و این ارزش والا در همه به یکسان به ودیعه گذاشته شده است، لذا نمی‌توان فردی را بر فرد دیگر از لحاظ ارزشی مقدم بداریم.

ث) اصل حاکمیت قانون (The rule of law)

از جمله اصول ارزشی و مترقی در فلسفه سیاسی و حقوق، حاکمیت قانون است. این اصل آنقدر در این دو حوزه و حتی حوزه‌های دیگر اهمیت یافته است که دوام و قوام یک

۲۰. راسخ، محمد، «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۲۷.

۲۱. راسخ، محمد ، پیشین، ص ۲۹.

۲۲. فیض، سیدرضا، «کرامت ذاتی انسان در عرفان ابن عربی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، (قم: دانشگاه مفید، اردیبهشت ۱۳۸۰)، ص ۱۹۹.

جامعه سیاسی مردمی به شدت وابسته به آن است. به موجب این اصل کلیه امور اجتماعی در جامعه باید منطبق قانون باشد. حاکمیت قانون تعادل‌بخش دو نگرانی عمده است: از یک سو اختیارات اعطایی به حکومت باید به نحوی باشد که به ساختارها و مقامات حکومتی امکان دهد که کشور را اداره نمایند و از سوی دیگر، لازم است از فراگیری قدرت حکومت جلوگیری شده و از تحدید آزادی‌های اساسی شهروندان توسط عملکردهای اقتدارگرایانه آن جلوگیری گردد. حاکمیت قانون تعادل و توازن این دو نیاز جامعه سالم و دارای سامان را تأمین می‌کند. کارکردهای اصلی حاکمیت قانون، کنترل قدرت سیاسی، انتظام‌بخشی اداره امور عمومی، تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌باشد. بی‌شک اگر نظام سیاسی بر اساس قانون شکل گیرد و بر اساس قانون اعمال شود، امکان خودکامگی و بروز و ظهور حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری کمتر است، اما نباید تصور نمود که به صرف وجود قانون و اعمال حکومت بر اساس قانون، می‌توان انتظار نظام سیاسی عادلانه و تأمین‌کننده منافع عمومی را داشت. لذا، ایجاب می‌نماید که این قانون بر اساس نظام ارزشی و بینشی موجود در جامعه وضع‌شده باشد و حافظ نظم، صلح، امنیت و حق‌ها و آزادی‌های شهروندان در جامعه باشد. آنچه که در ارتباط با انتخابات و اصل حاکمیت قانون لازم است عنوان شود این است که قانون پایه و اساس برگزاری یک انتخابات آزاد و منصفانه است. به‌خاطر اینکه در صورت فقدان قانون یا قانون شایسته و یا مردمی از یک طرف و رقابت بر سر کسب قدرت توسط بازیگران سیاسی از طرف دیگر، می‌توان شاهد نقض حقوق و آزادی‌های شهروندان بالاخص حق تعیین سرنوشت و حاکمیت مردم و نظام استبدادی بود. با وضع قانون شایسته که تضمین‌بخش مطالبات مردم و منافع عمومی است، می‌توان به برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه و واقعی امیدوار بود. به‌طوری که فرآیند انتخابات و نتایج آن برآیندی از آنچه که عموم واقعاً اراده نموده‌اند، باشد. به عبارتی، فرآیند انتخابات تحت اصل حاکمیت قانون قرار گیرد و مجریان

انتخابات، صرفاً بر اساس قانون انجام وظیفه نمایند.در مجموع شرط اساسی برقراری یک نظام دمکراتیک، اصل حاکمیت قانون است که «یک چارچوب حقوقی منسجم را مقرر می‌دارد. لذا رقابت آزاد و منصفانه و اعمال حق رأی باید در چارچوب قانونی خاصی باشد».[۲۳]

چ) اصل تضمین حقوق مدنی و سیاسی (Political and civil rights)

انسان به حکم انسان بودنش، دارای یک سری از حق‌ها به منظور صیانت از کرامت و حرمت ذاتی خود است و در حقیقت حقوق بشر «عبارت از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم با تضمینات و حمایت‌های لازم از آن برخوردار می‌باشد».[۲۴] نظام حقوقی حقوق بشر باید بر اساس فطرت و طبیعت و عقلانیت انسانی تنظیم شود. لذا می‌توان عنوان نمود که «حقوق بشر مفهومی است عقلی که احترام به آن به عهده خود انسان واگذار شده و هرگاه به کمک ترتیبات اخلاقی در قلوب عموم افراد بشر جای گیرد و مورد عمل همگانی واقع شود و به صورت یک اعتقاد و سنت جهانی درآید، علت و فلسفه وجودی این حقوق که به علت وجودی انسان وابسته است، محقق می‌گردد».[۲۵] منظور از حقوق مدنی و سیاسی، همان حقوق و آزادی‌هایی است که در کنوانسیون‌های

23. Walecki, Marcin "Ensuring Equal Rights in Elections Process", 2002. www.IFES.com / document /pdf.

۲۴. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، پیشین، ص ۱۲.

۲۵. لواسانی، محمود، فلسفه حقوق بشر و نقد مبانی آن، (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، چ اول، ۱۳۸۴)، ص ۲۸.

مربوطه و بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و قوانین اساسی‌ها و قوانین و مقررات حقوق بشری آمده است، می‌باشد.[۲۶] حقوق مدنی و سیاسی، آزادی‌هایی از جمله آزادی بیان، اجتماعات و مهاجرت، را شامل می‌شود که شرط اساسی کنش سیاسی مردم، چه به شکل خود سازمانی در جامعه و چه کسب نفوذ و تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت، است. درست است که این حقوق، به عنوان بخشی از حقوق کلی بشر برای افراد محفوظ است، ولی ارزش آن‌ها در کار جمعی آن‌هاست. یعنی پیوستن به دیگران و تلاش برای هدف‌های مشترک، مبارزه گروهی، تأثیربخشی بر افکار عمومی و غیره. پس نباید چنین تصور شود که حقوق فردی لزوماً با هدف‌ها یا تصمیم‌گیری‌های جمعی و نظارت مردم بر دولت تنافری دارد، زیرا، این حقوق، پایه‌های اساسی چنین قدرتی را برای جامعه فراهم می‌آورد.[۲۷]

ج) اصل نظارت همگانی (Popular control)

در یک نظام شایسته، مردم نقش اولیه و نهایی تعیین‌کننده کلیه تصمیم‌گیری‌های حکومتی را خواهند داشت که این نقش در دو اصل کلی «برابری در مشارکت سیاسی و نظارت همگانی»،[۲۸] خلاصه شده است. منظور از نظارت همگانی این است که همه مردم بنابه اصل برابری ارزشی و حق حاکمیت برابر اعمال قدرت، از طرق مختلف امکان و توانایی یا فرصت برابر جهت نظارت، کنترل و ارزیابی اقدامات و تصمیمات نمایندگان

26. Bell, Daniel. A. , Human Rights and Democracy in East Asia, (Princeton: Princeton University Press, 2000), p 3.

۲۷. بیتام، دیوید و بویل، کوین، دمکراسی چیست؟، ترجمهٔ شهرام نقش تبریزی، (تهران: ققنوس، چ دوم، ۱۳۷۹)، ص ۵۴.

۲۸. بیتام، دیوید، حقوق بشر و دمکراسی، پیشین، ص ۱۸.

خود را داشته باشند، حاکمان نیز همواره خود مکلف به پاسخگویی در برابر مردم باشند. «هدف غایی از این نظارت، تحقق و صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندی، جلوگیری از استبداد و خودکامگی حاکمان و اصل پاسخگویی دولت در برابر مردم می‌باشد و نظارت از این جهت ضروری است که موجب هدایت و راهنمایی حاکمان توسط مردم می‌شود و نظارت عمومی و همگانی می‌تواند از بروز مشکلات ناشی از اشتباهات حاکمان جلوگیری می‌کند. همچنین امکان نظارت از طریق حضور مستمر مردم در صحنه‌های سیاسی ایجاد دلگرمی نموده و این الگوی موجب استحکام پایه‌های حکومت و تسهیل در اجرای عدالت خواهد شد».[۲۹]

نتیجه اینکه، زمانی می‌توان ادعا نمود که نظام دمکراتیک واقعی با انتخابات آزاد، منصفانه و اصیل در جامعه سیاسی وجود دارد که مردم علاوه بر اینکه در گزینش فرمان‌روایان از آزادی اراده و گزینش آگاهانه برخوردار هستند، می‌بایستی امکان نظارت همگانی بر فرآیند تصمیم‌گیری‌ها نظیر فرآیند انتخابات به طرق مختلف مستقیم، واسطه‌ایی و سازمانی و حکومتی وجود داشته باشد. به هر میزانی امکان نظارت همگانی بر فرآیند انتخابات فراهم گردد، به همان میزان اعتماد و اطمینان مردم نسبت به مشروعیت انتخابات بالاتر و اعتبار، قطعیت و اصالت انتخابات نیز افزایش خواهد یافت.

گفتار دوم: اصول کارآمدی و رویه‌ایی

نظام سیاسی‌ایی که فضای گسترده‌تری برای حضور و مشارکت فعال مردم از طرق مختلف فراهم می‌نماید، طبعاً به نظام دمکراتیک نزدیک‌تر می‌شود و زمانی نظام سیاسی

۲۹. هاشمی، سید محمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۳-۲۴، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص ۹۸.

می‌تواند جنبه دمکراتیک داشته باشد که فرصت‌های برابر برای همه افراد جهت اعمال حق حاکمیت و حق تعیین سرنوشت خود ایجاد کند. ایجاد این فرصتها نیز مستلزم پذیرش مؤثر و کارآمد بودن اراده هر شخص و ارزش قایل شدن برای منافع عمومی است. بی‌شک اصول ارزشی و بنیادین نظام سیاسی بعد از نظریه‌پردازی، موجه‌سازی و پذیرش توسط عموم و حاکمان، اگر بدون راهبرد عملی و اجرایی شدن باقی بماند، در حقیقت نقض آن اصول محسوب می‌شود. لذا تعبیه کردن مسیرها و کانال‌های بروز و ظهور خارجی آن‌ها امری ضروری است و نیازمند اصول و تدابیر کارآمد و مؤثری است. البته باید اصولی باشد که واقعاً بتواند پوشش‌دهنده عملی آن‌ها باشد نه اینکه در مسیری طراحی شود که اصول ارزشی را بیهوده و یا برعکس جلوه نماید. مهم‌ترین شرط تعبیه نمودن این اصول این است که کیفیت و کمیت مشارکت‌های گوناگون عموم را در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی و اعمال قدرت، افزایش دهد. همچنین موجب تأمین حداکثر منافع و مصالح عمومی گردد. منظور از این اصول این است که در یک نظام مردم‌سالار تصمیم‌ها، سیاست‌ها و قوانین و برنامه‌های حکومتی از یک فرآیند تکثرگرا و مشارکتی تبعیت نماید».[۳۰]

الف) اصل منصفانه بودن انتخابات (Fair election)

انتخابات دمکراتیک، انتخاباتی است که بر اساس رأی و خواست آزادانه مردم شکل گرفته باشد و آزاد و منصفانه بودن دو شاخصه اصلی آن می‌باشد. مفهوم آزاد بودن، تا

۳۰. زارعی، محمد حسین، جزوه درسی حقوق اساسی (۲) ، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول ۸۴-۱۳۸۳، ص ۲۱. و زارعی، محمد حسین، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، شماره ۴۰، پائیز و زمستان ۱۳۸۳، ص‌ص ۲۰۲-۱۵۵.

حدی در اصول ارزشی و ماهوی مشخص گردیده، اما شاید نتوان مفهوم یا تعریف جامعی از انصاف ارائه نمود.

در بیانی ساده از انصاف **(Fairness)** می‌توان عنوان نمود که «به معنای بی‌طرفی **(Impartiality)** است. لذا انصاف هم شامل نظم و قاعده (یعنی اجرای غیرجانبدارانه قوانین) و شامل عقلانیت **(Reasonableness)**، یعنی توزیع برابر منابع مربوطه میان ذی‌نفعان، می‌باشد».[۳۱] بر این اساس، منظور از منصفانه بودن انتخابات، این است که زمینه اجرایی و بستر انتخابات به‌طور غیرجانبدارانه و عاقلانه، آماده و قابل دسترس برای همه رأی‌دهندگان احزاب و کاندیداها باشد و «یک سطحی برابر و معقول رقابت برای مشارکت آگاهانه و آزادانه برای کلیه بازیگران در فرآیند انتخابات فراهم شود».[۳۲] بعد منصفانه بودن انتخابات جنبه‌های مختلفی از بی‌طرفی فرآیند انتخابات را منعکس می‌نماید. «انصاف یک پروسه انتخاباتی مورد نقض واقع می‌شود، هر زمانی که با یکی از بازیگران انتخابات به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از طرف سایر عوامل سیاسی در شیوه‌هایی که بر نتایج انتخابات به‌طور منفی تأثیرگذار باشد، رفتار شود».[۳۳] بنابراین مفهوم انصاف در انتخابات دربرگیرنده نظم و قاعده‌ایی است که خود مستلزم این می‌باشد که مقررات در شیوه‌ایی منظم، غیرمتعصبانه و غیر جانبدارانه اجرا شود و همچنین دربردارنده عقلانیت می‌باشد. به نحوی که با همه رقبای

31. Elklit, Jorgen and Svehsson, Palle, “What Makes Election Free and Fair?”, Journal of Democracy, 8. 3., (1997) , p 35.

32. Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), Election Observation Handbook (fifth edition), Warsaw, Poland, 2005, p.15. www. oscepray.cz / inst / odihr / odihr.htm.

33. Rose, Richard, (Editor in chief) and Others, International Encyclopedia of Elections, (London: Macmillan Press, 2000), p 13.

سیاسی به شیوه معقول و عادلانه و منطقی رفتار شود. پس قاعده‌مند بودن **(Regularity)** و عقلانیت **(Reasonableness)** دو مؤلفه و عنصر اصلی مفهوم اصل منصفانه بودن انتخابات می‌باشند.

ب) اصل شفافیت (Transparency)

شفافیت از جمله اصول کارآمد و مؤثری است در جهت سنجش دمکراتیک بودن نظام سیاسی. شفافیت دارای این مفهوم است که أخذ تصمیمات و اجرای آن‌ها در یک نهاد و سازمان مطابق قوانین، مقررات، صلاحیت‌ها و کنترل‌های خاص انجام شود و همچنین به آن معنا است که اطلاعات به‌صورتی آزاد، منسجم در دسترس کسانی قرار گیرد که تحت تأثیر چنین تصمیماتی یا اجرای آن‌ها قرار گرفته‌اند و اینکه اطلاعات کافی آماده شده و در رسانه‌ها و در اشکال ساده و قابل فهم ارائه گردد.[۳۴] از این رو، شفافیت در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات، ابهام و عدم قطعیت را کاهش می‌دهد و می‌تواند در جلوگیری و کاهش فساد بین اجزای یک نظام نقش بسزایی داشته باشد. کاربرد اصل شفافیت در انتخابات، زمینه تحقق انتخابات آزاد و منصفانه و اصیل را ایجاد می‌کند. به‌طوری که با باز و شفاف بودن فرآیند اتخاذ تصمیمات انتخاباتی برای مردم «نوعی احساس اعتماد به صحت و سلامت تصمیمات انتخاباتی و سیاسی برای مردم ایجاد می‌شود».[۳۵] در انتخابات ممکن است مشکلات و تخلفات عمده‌ایی اتفاق بیافتد نظیر، ارعاب رأی‌دهندگان از رأی‌دادن یا به نفع شخص یا حزب خاص رأی‌دادن، سوء استفاده از آراء ناتوانان، تعویض جعبه‌های

---

۳۴. مرکز مطالعات و آموزش سازمان‌های جامعه مدنی ایران، «حکومت‌گری مطلوب چیست؟»، نشریه داوطلب، شماره ۱۶ و ۱۷، ص ۱۶.

35. King, Richard, “The Election Transparency”, 2006. www. verifiedvotingfoundation. org download / ETScoredlecd. pdf.

رأی قبل از شمارش یا پر کردن آن‌ها قبل از رأی‌گیری، تخلف از شمارش آراء و غیره،[۳۶] لذا راه‌حل این مشکلات متنوع، برقراری زمینه شفافیت در انتخابات است. اصل شفافیت در قلمرو انتخابات جنبه‌های مختلفی به خود می‌گیرد: «۱- شفافیت این امکان را برای بازیگران انتخابات فراهم می‌آورد تا تمام جنبه‌های مختلف انتخابات از تدوین و پیشنهاد قوانین انتخاباتی، گزینش مدیران انتخابات تا تنظیم نتایج نهایی انتخابات و حل و فصل منازعات، مورد بازبینی و ارزیابی یا اعتراض و شکایت قرار دهند. ۲- همچنین به عموم اجازه می‌دهد تا کلیه مراحل انتخابات را مشاهده کنند که این امکان از طریق رسانه‌ها، ناظران، نهادهای مدنی، احزاب و غیره صورت می‌گیرد».[۳۷] ۳- همچنین فرصتی را در اختیار کلیه منتقدین، مخالفین و حتی ناظران داخلی و بین‌المللی قرار می‌دهد تا از نحوه تصمیم‌گیری و مطابقت عملکردها با قوانین مطلع شوند. در مجموع، شفافیت در فرآیند انتخابات، اعتماد و اطمینان خاطر عموم از صحت و سلامت انتخابات را افزایش می‌دهد و موجب کنترل مسؤولین و مأموران انتخابات به منظور عمل کردن در انطباق با قوانین می‌گردد. از این رو، میزان و درجه مشروعیت انتخابات نیز افزایش می‌یابد.

پ) اصل پاسخگویی (Accountability)

پاسخ‌گویی از چالش‌هایی است که دولت‌ها امروزه با آن مواجه هستند به نحوی که دولت‌ها باید در کلیه امور، تصمیمات، اقدامات، خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها پاسخگو باشند. چرا که پاسخگویی لازمه یک نظام دمکراتیک است و نظام مردمی نقطه مقابل نظام‌های

36 . Source Book, “Free and Fair Election”, 2000. p. 165-167. www. advancement project.org/ pdfs / APKAT-guides.pdf

37. Merloe, Patrick, “Democratic Election”, National Democratic Institute, 1994. www. NDI. com / Democratic / doc. 1994. htm.

استبدادی و دیکتاتوری است. پاسخگویی در حوزه سیاسی و حقوقی به معنای «تعهد یک فرد است برای پاسخگویی نسبت به انجام مسؤولیت‌هایی که به او محول شده است».[۳۸] پاسخگویی از جمله ملاک‌های اساسی سنجش دمکراتیک بودن یک نظام سیاسی مطلوب محسوب می‌شود. به علت اینکه در نظام مردم‌سالار حق تصمیم‌گیری و قضاوت نهایی در اصل، در خصوص اداره امور عمومی، تشخیص مصالح و منافع عمومی به عهده مردم است که از طریق نمایندگان محقق می‌شود. از این رو نظام پاسخگویی با مردمی بودن حکومت پیوند می‌خورد. «ارتباط پاسخگویی و مردم‌سالاری در این است که اصل پاسخگویی از طریق تأمین حق مشارکت و دخالت مردم در تصمیم‌ها و برنامه‌های حکومتی، ارزش‌ها و اصل مردم‌سالاری را تضمین می‌نماید. مسؤولیت درونی و بیرونی مدیران دولتی و مقامات سیاسی حافظ فرآیند مردمی حکومت‌داری است. بنابراین پاسخگویی ابزاری برای پاسخ و توضیح دادن اعمال، تصمیم‌های یک فرد یا مقام به مقام یا نهاد دیگری است که همراه با آثار حقوقی و سیاسی و اداری لازم باشد».[۳۹] در مجموع، «در نظام انتخابات دمکراتیک، به جهت اینکه نمایندگان منتخب مردم هستند، می‌بایستی پاسخگوی آن‌ها باشند».[۴۰] این پاسخگویی در کل فرآیند انتخابات موضوعیت دارد.

ت) اصل دسترسی به اطلاعات: (Access to information)

از جمله شاخص‌های سنجش دمکراتیک بودن نظام سیاسی، وجود حق دسترسی، دریافت و انتقال اطلاعات و آگاه بودن مردم از اطلاعات عمومی و در برخی موارد

---

۳۸. رشیدپور، علی، «پاسخگویی و دولت پاسخگو»، مجله تدبیر، شماره ۱۶۰، شهریور ۱۳۸۴، ص ۲۳.

۳۹. زارعی، محمد حسین، «فرآیند مردمی‌شدن، پاسخگویی و مدیریت دولتی»، نامه مفید، مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۲۲.

40 . Mainwaring, Scott, Democratic Accountability in Latin America, (Oxford: Oxford University Press, 2003), p 3.

خصوصی می‌باشد. «لازمه تحقق جامعه باز، کاستن از دامنه قدرت دولت در برابر شهروندان و در عین حال اعمال قدرت از سوی مردم و کاستن از خودرأیی حکومت، تنها در شرایطی میسر است که مرم از آنچه که حکومت به آن مشغول است، آگاه باشند. از این رو، حق دسترسی و انتقال اطلاعات هم سازوکاری برای اعمال قدرت و توانایی مشارکت آگاهانه شهروندان در جهت تحقق حقوق و آزادی‌های خود و هم تضمینی برای صحت عملکرد دولت، رفتار مبتنی بر قانون و اعمال مشروع قدرت عمومی از سوی آن است».[۴۱] در این راستا عملی شدن حق‌های بنیادین انتخابات، منوط است به اینکه مردم آگاهی کامل از فرآیند قبل، در حین و بعد از انتخابات داشته باشند تا انتخاباتی واقعی و اصیل رقم بخورد. به منظور تحقق این مهم، لزوم تصویب قانون آزادی دسترسی به اطلاعات و روشن نمودن تکلیف و وظایف دولت و کلیه بخش‌های ذی‌ربط به ارائه اطلاعات از طرق مختلف آموزش‌های مدنی و انتخاباتی از سوی دولت و نهادهای غیردولتی، ارائه اطلاعات جامع و دقیق از فرآیند انتخابات توسط مدیریت انتخابات به رأی‌دهندگان طبق قوانین و مقررات، امری واجب و ضروری جلوه می‌نماید.

چ) اصل رأی همگانی، عام و برابر (Universal and equal suffrage)

با پذیرش حق مشارکت مردم که خود بر پایه برابری ارزشی انسان‌ها است، باید قائل به حق برابر و عام برای همه شهروندان شویم. «واقعیت این است که اداره امور جامعه دربرگیرنده تمامی افراد آن جامعه و ایجادکنندهٔ حق و تکلیف برای همه آن‌ها است. اگر هدف اصلی اداره جامعه و استقرار نظم و امنیت و تأمین عدالت برای همه افراد بدانیم که

41 . Mustafa, Faizan, Constitutional Issues in Freedom of Information, (New Dehli: Kaniska Publication, 2003), p 8.

در آن زندگی می‌کنند، به نظر می‌رسد که این نفع عمومی مبین اشتغال فکری و مستلزم مشارکت و مسؤولیت همگان در زندگی مشترک و جمعی باشد، به این ترتیب تحقق دمکراسی، در مفهوم منطقی خود وقتی است که افراد مردم، به‌طور کمی و کیفی، حق مشارکت در اداره امور عمومی را دارا باشند».[۴۲] این اصل به درستی توسط موریس دوورژه استاد شهیر فرانسوی به عنوان اساس مشروعیت قدرت لحاظ شده است. زیرا، با مشارکت تمام شهروندان در انتخابات، تحت شرایطی عام و برابر برای همه، حاکمیت ملی به معنای واقعی تحقق می‌یابد.[۴۳] در صورتی می‌توان مدعی همگانی بودن انتخابات شد که حق رأی به تمام شهروندان بدون تبعیض اعطاء شود. بدیهی است که رسیدن به این نقطه از همگانی بودن رأی به آسانی حاصل نشده است.[۴۴] این امر مبین قاعده ***«یک شخص، یک رأی»***[۴۵] می‌باشد.

ج) اصل رقابتی بودن انتخابات (Competitive election)

عرصه فعالیت‌های سیاسی در یک نظام دمکراتیک، عرصه رقابت است، اما قبول شکست و پیروزی مطلق نیست. گروه‌ها و احزابی که برای جلب رضایت و آراء شهروندان

---

۴۲. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، پیشین، ص ۴۲۰.

43 . Duvejer. (m), Institutions Politiques et Droit constitutionnel, Tome 2, Paris, L.G.D.J, 1976, p 71.

به نقل از: تقی‌زاده، جواد، «تأملی بر حق رأی در حقوق ایران با نگاهی بر حقوق فرانسه»، نشریه حقوق اساسی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۲، ص ۳۵.

۴۴. تقی‌زاده، جواد، پیشین، ص ۳۵.

45. Center for Human Right, A Handbook of Human Right and Election , United Nation: Geneva, Switzerland, 2004, p 5.

می‌کوشند با شناخت دقیق از خواسته‌های مردم و با طرح برنامه‌ها و شعارهای معقول، در فرآیند انتخابات اقدام به رقابت با دیگر افراد و گروه‌ها نمایند، پس از انتخاب این فرصت را می‌یابند تا با عملی ساختن شعارها و برنامه‌های مطرح شده، گامی در جهت پیشرفت جامعه و بهبود وضعیت مردم بردارند. با این وصف، پیروز اصلی در این رقابت که در یک عرصه دمکراتیک انجام می‌شود، همانا مردم هستند. تن دادن به آرای مردم در یک فرآیند سالم مردم‌سالارانه، مهم‌ترین قاعدهٔ بازی دمکراسی و در حوزه سیاسی است. در واقع رقابت سالم و آزاد و منصفانه در فرآیند انتخابات برای همه بازیگران، یکی از اصول مؤثر و کارآمد تحقق و تحکیم نظام دمکراتیک است. «انتخابات رقابتی به رأی‌دهندگان اجازه می‌دهد تا مقامات سیاسی و تصمیم‌گیرندگان سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها را در یک فضای کثرت‌گرا و چند حزبی آزاد و منصفانه انتخاب کنند».[۴۶]

به نظر می‌رسد که مبنای اصلی رقابتی بودن انتخابات، به حق رأی عام، همگانی و برابر برگردد.[۴۷] به علت اینکه این امکان برای افراد و شهروندان وجود داشته باشد تا به تناسب عقاید و تفکرات خود، خواهان عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی یا حمایت از آن‌ها نمایند. رقابت انتخاباتی زمانی مفهوم خود را کامل‌تر می‌نماید که «احزاب و کاندیداهای مخالف توانایی و امکان استفاده از آزادی‌های مختلف نظیر، آزادی بیان، اجتماعات، گردهمایی، دسترسی به اطلاعات ثبت‌نام، انجام فعالیت‌ها و مبارزات انتخاباتی، دریافت منابع و کمک‌های مالی دولتی را داشته باشند. انتخاباتی که در آن مخالفین از دسترسی به

46 . Rose, Richard, and Others, p 43.

47. Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODHIR), "Election Principles and Exiting Commitment for Democratic Elections", Hofburg, Vienna, 2004, www.OSCE.org/ document/ odihr/ 2004/07/3315-en .pdf.

رسانه‌ها و مطبوعات یا منابع دولتی منع شوند، مورد حمله یا ارعاب و تهدید قرار گیرند، دمکراتیک نیست».[۴۸]

ح) اصل مخفی بودن رأی (Secrecy of the ballot)

رأی‌گیری در یک فضای مناسب با حفظ حریم خصوصی افراد و به دور از هرگونه کنترل، لازمه یک انتخاب و گزینش آزاد می‌باشد و در واقع مخفی بودن آراء، مبتنی بر حفظ کرامت، حرمت، خودمختاری و آزادی فرد و حق حریم خصوصی است و اینکه انسان مستقل از دیگران می‌تواند دست به گزینش و انتخاب ترجیحات خود بزند. البته باید عنوان نمود که فلسفه مخفی بودن آراء حفظ و صیانت از آزادی اراده و تصمیم فرد است، لذا می‌تواند به‌صورت مخفی بیان شود. یعنی طوری بیان شود که به دور از هرگونه فشار، تهدید و ارعاب و دخالت و نفوذ ناروای دیگران باشد. منتسکیو معتقد بود در صورت آشکار بودن محتوای رأی، «مردم عادی می‌توانند بهتر از راهنمایی سرشناسان و خبرگان برای انتخاب‌های درست و تصمیمات سنجیده بهره گیرند و یا برخی دیگر (روبسپیر، انقلابی تندرو فرانسوی) علنی بودن رأی را وسیله‌ایی برای گسترش شجاعت مدنی شهروندان می‌دانند».[۴۹]

ح) اصل دوره‌ایی بودن (Periodicity)

همان‌طور که قبلاً عنوان شد، حاکمیت در اصل متعلق به مردم می‌باشد و حکومت مشروعیت خود را از رضایت مردم می‌گیرد و اینکه به منظور جلوگیری از استبداد و

48. Forgin Affairs Administer of USA, “What is Democracy”. www. usinfo. sate.gov.com.

۴۹. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج اول، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۷۲)، ص ۷۰۱.

خودکامگی و مطلق‌گرایی حکومت، مردم باید توانایی تغییر یا جابه‌جایی حکومت و امکان نظارت بر آن را داشته باشند. لذا جهت حفظ این اصول ارزشی، ایجاب می‌نماید که حکومت‌ها به‌طور محدود و نه دائم، اداره و امور عمومی را به دست گیرند و انتخاباتی به‌طور دوره‌ایی و در فواصل معقول برگزار گردد. مهم‌ترین نکته در این خصوص، درج دوره زمانی و مدت زمان تصدی نمایندگان در پارلمان در قانون اساسی است، به جهت اینکه نمایندگان بنابه سلیقه و منافع خود، اقدام به افزایش دوره تصدی خود ننمایند. در مجموع، با درج مدت زمان معقول در قانون اساسی برای دوره پارلمان، و برگزاری منظم انتخابات می‌توان زمینه مشارکت فعال و اعمال حق حاکمیت مردم و کنترل قدرت سیاسی را فراهم نمود.[۵۰]

خ) اصل مستقیم بودن رأی (Direct)

انتخاب نمایندگان پارلمان می‌تواند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم صورت گیرد. در صورت اول رأی‌دهندگان بدون واسطه نمایندگان خود را برمی‌گزینند و در روش دوم رأی‌دهندگان در ابتدا افرادی را انتخاب می‌کنند که این افراد از بین خود یا از بین دیگر افراد، به گزینش نمایندگان اقدام می‌نمایند. انتخابات اکثر پارلمان‌ها به صورت رأی مستقیم برگزار می‌شود. رأی مستقیم به آن معنی است که «شهروندان در انتخابات مستقیماً به کاندیدا یا لیست احزاب بطور مثبت یا منفی (عدم انتخاب) رأی دهند».[۵۱]

50 . Harris, David, p 553.

51. Council of Europe, Article 4.

د)اصل اختیاری بودن (Facultative)

بر اساس ارزش‌های بنیادین آزادی و مختاریت انسان و حق تعیین سرنوشت، رأی دادن باید اختیاری باشد نه اجباری. اما از طرف دیگر، زندگی و زیست جمعی نیازی اساسی است و به جهت حفظ صلح، ثبات و برقراری نظم و تأمین منافع عمومی که تأمین‌کننده منافع شخصی و خصوصی است، شهروندان مکلف به رأی‌دادن می‌باشند. در این خصوص دو نظریه وجود دارد: «بر اساس نظریه حق بودن رأی، که متأثر از نظریه حاکمیت تقسیم‌شدهٔ روسو می‌باشد، شرکت در انتخابات اختیاری است، اما مطابق با نظریه کارویژه‌ایی حق رأی، حق حاکمیت متعلق به ملت می‌باشد، و شرکت در انتخابات به عنوان یک وظیفه شهروندی و قانونی، اجباری است».[۵۲]

ذ) اصل اصیل بودن انتخابات (Genuineness)

انتخابات اصیل و واقعی، انتخاباتی است که منعکس‌کنندهٔ ارادهٔ آزاد مردم باشد. انتخابات دروغین، سرپوش گذاردن بر اختلافات و تنش‌های داخلی با توجیهات غیر واقعی، سرکوب مخالفان، ارعاب و تطمیع عده‌ایی جهت رأی دادن به افراد، کاندیداها یا احزاب خاصی، حمایت از عدم اصالت انتخابات دارد.[۵۳] انتخابات باید به گونه‌ایی برگزار شود که زمینه انتقال قدرت را، آن‌طور که مردم با ترجیحات خود اراده نموده‌اند، صورت گیرد و این انتقال واقعی و اصیل نخواهد بود، مگر اینکه با حضور همه احزاب حاکم و رقیب و مخالف و سایر مؤلفه‌های انتخابات آزاد و منصفانه باشد و همچنین انتخابات باید بر اساس اصول و ضوابط قانونی و با رعایت اصل حاکمیت قانون برگزار گردد. به عبارتی، انتخابات تابع حاکمیت قانون نه اراده دلبخواهانه افراد به‌ویژه تابع خواسته‌های حزب حاکم باشد.

---

۵۲. قاضی، ابوالفضل، پیشین ، ص ۶۸۵.

53 . Harris, David, p 553.

ر) اصل سلامت انتخابات (Integrity)

شاید ارائه تعریف خاصی از سلامت انتخابات مشکل باشد، اما یک مؤلفه ضروری انتخابات دمکراتیک می‌باشد. سلامت انتخابات در حقیقت وجه تضمینی برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه می‌باشد که بدون نظام دمکراتیک به صلح و ثبات نخواهد رسید. لذا «سلامت انتخابات یک سری از عناصر و استانداردهایی مبتنی بر اصول دمکراتیک و اقدامات و مکانیزم‌هایی برای حمایت از اصول ارزشی انتخابات آزاد و منصفانه است».[۵۴] عناصری که می‌تواند نشان‌دهنده یا تأمین‌کننده و سلامت انتخابات باشند به قرار ذیل هستند:

۱. اصل صحت و دقت (Accuracy)

۲. اصل امنیت (Security)

۳. اصل قطعیت (Definitive)

۴. اصل معتبر بودن (Creditable)

۵. اصل اعتماد عمومی.

گفتار دوم: اصول تشکیلاتی و سازمانی

هر نظام سیاسی بسته به محتوا و نظام ارزشی موجود در جامعه، برای انجام وظایف عمومی و اداره امور کشور، قالب و ساختار خاصی به خود می‌گیرد. بی‌شک، نیاز به حکومت و نهادهای سیاسی و سازمانی جهت اجرای اعمال حکومتی و تأمین منافع عمومی، اصلی پذیرفته‌شده در فلسفه سیاسی و حقوق عمومی است. اما در خصوص اینکه چه ساختارها، سازمان‌ها و نهادهایی می‌بایستی در جامعه وجود داشته باشند و به چه نحوی و

54 . Elklit, Jorgen, p 36.

بر اساس چه نگرشی انجام وظیفه کنند، همواره متأثر از برداشت‌ها و قضاوت‌های مختلف در جوامع بوده است.

نکته مورد وفاق مکاتب و نگرش‌های متعدد نسبت به کم و کیف سازمان‌ها و ساختارهای اجرایی حاکمیت، این است که همه آن‌ها وجود نهادها و تأسیسات مقتضی اعمال‌کننده حاکمیت را پذیرفته‌اند. پس شرط لازم و ضروری اعمال حاکمیت، حکومت است. حکومت «به معنای مجموعه ارگان‌هایی است که به واسطه آنان، حاکم به اعمال اقتدار می‌پردازد».[۵۵] واژه حکومت در اصطلاح رژیم سیاسی و قدرت سیاسی نیز آمده است. لذا در هر نظامی«قدرت سیاسی به دست فرد یا احزاب خاصی سپرده می‌شود که هیأت حاکم نامیده می‌شود».[۵۶] اما جامعه زمانی می‌تواند روی ثبات، صلح و نظم را ببیند که آرمان‌ها و ارزش‌های موجود در جامعه در قالب نهادها و تأسیسات تضمینی مناسب، چهرهٔ عملی و نمود خارجی به خود می‌گیرد. در واقع، پس از نهادینه‌شدن هنجارها و ارزش‌ها در جامعه و تعبیه نمودن اصول کارآمدی مناسب در جهت اجرایی شدن آن‌ها، نیازمند تضمینات مقتضی و عملی به منظور ایجاد یک نظام شایسته مردم‌سالار می‌باشد. بدون تضمینات عملی و عینی، هنجارها و ارزش‌های نهادینه شده، صرفاً در مرحله نظری و تئوری باقی می‌ماند. لذا جهت پوشش دادن و تضمین نمودن اصول ارزشی و ماهوی و کارآمدی و رویه‌ایی، اصول ساختاری و سازمانی را نیز طراحی می‌کنیم. به این معنا که «تحقق یک نظام مردم‌سالار باید با تضمین‌های ساختاری و سازمانی همراه باشد. ساختارها، سازمان‌ها و تشکیلات حکومتی یا مدنی به گونه‌ایی ایجاد و فعالیت نمایند تا ضامن اجرای شاخصه‌های فرایندی و ماهوی و ارزشی دموکراسی باشند».[۵۷]

---

۵۵. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، (تهران: نشر میزان، چ بیست و چهارم، ۱۳۸۵)، ص ۱۰۱.
۵۶. عاملی، حشمت‌الله، رژیم سیاسی، ج ۳، (تهران: ابن سینا، چ اول، ۱۳۴۸)، ص ۱.
۵۷. زارعی، محمدحسین، جزوه درسی حقوق اساسی (۲) ، پیشین، ص ۳۱.

الف) اصل تفکیک قوا (Separation of power)

اندیشه تفکیک قوا گامی مؤثر در جهت محدود یا حذف و کاهش قدرت‌های استبدادی و خودکامه و حرکتی مثبت و سازنده در مسیر تثبیت نظام مردم‌سالار بوده است. در واقع، هسته اصلی این اصل تدبیری اساسی برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد یا یک گروه از فرمان‌روایان و پرهیز از استبداد و خودکامگی و حفظ و پاسداری از حقوق و آزادی‌های شهروندان است. این اصل با نگرش انجام بهتر وظایف حکومت، جلوگیری از خودکامگی حاکمان، حفظ حقوق و آزادی‌های مردم بنا نهاده شده است و در حقیقت حافظ ارزش‌های مردمی است و از طرفی مشروعیت حکومت وابسته به رضایت و ارادهٔ آزاد مردم است، پس در نظام مردم‌سالار و شایسته باید متوسل به ابزار و مکانیزم‌های تضمینی شویم که پاسدار ارادهٔ آزاد مردم و حق تعیین سرنوشت و حفظ نظارت آن‌ها بر روند ادارهٔ امور کشور شویم. با برقراری اصل تفکیک قوا، بیم استبداد و خودکامگی و اقتداگرایی و پنهان‌کاری و ذی‌نفع بودن نهادهای انتخاباتی تا حدودی از بین می‌رود. به جهت اینکه نهاد مدیریت انتخابات تحت کنترل نهادهای مختلف قرار می‌گیرد و چه بسا دارای ترکیب مختلط و متشکل از قوای مختلف باشد. در چنین صورتی اگر تصمیمات خودسرانه و برخلاف قانون توسط این نهاد اتخاذ شود، توسط گروه‌ها و قوای دیگر مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرد. بیشترین توجه به این اصل تضمینی برای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه این است که پوشش‌دهنده اصل نظارت همگانی از طریق قوای حاکم و امکان بی‌طرفی بیشتر می‌باشد. این تصور که قانون انتخابات توسط قوهٔ مقننه وضع، توسط مجریه و سایر نهادهای اجرایی، اجراء و توسط قوه قضائیه و نهادهای واسطه‌ایی و مدنی مورد نظارت واقع شود، می‌توان به حفظ ارزش آزادی و حقوق سیاسی مردم و کنترل قدرت سیاسی امیدوار بود.

ب) اصل استقلال قضایی (Judicial independence)

همان‌طور که می‌دانیم در نظام تفکیک قوا، قوهٔ قضائیه ضامن و تأمین‌کننده سلامت اجرای قوانین است و به نوعی حافظ ارزش‌های بنیادین و اساسی و حق‌های شهروندان و عملی نمودن، صلح، ثبات و عدالت از طریق حل و فصل دعاوی و اختلافات در جامعه باشد. بی‌شک، انجام این وظیفه خطیر، بالاخص اجرای عدالت، نیازمند قضات عادل و بی‌طرف، نظام قضایی شایسته، وجود قوانین و مجازات‌های عادلانه، رعایت اصول عدالت کیفری و غیره می‌باشد.

پ) اصل کنترل قضایی (Judicial review)

نظام کنترل قضایی به جهت ویژگی و وصف خاص استقلال قضایی، نقش مؤثری را در برقراری انتخابات آزاد و منصفانه ایفاء نموده است. در خصوص کاربرد اصل کنترل قضایی جهت تضمین اصول بنیادین و رویه‌ای انتخابات دمکراتیک، استدلالات قوی وجود دارد. اول اینکه، قضات نسبت به سایر مقامات حکومتی از شأن و اعتبار ویژه‌ای برخوردار هستند. به خاطر اینکه دارای تخصص، بی‌طرفی و وصف غیر جانبدارانه می‌باشند. لذا اغلب احزاب سیاسی و کاندیداها، جهت رقابت در انتخابات بیشتر از نهادها و مقامات وابسته سیاسی یا اداری به آن‌ها اعتماد دارند. همچنین قضات به دلیل تسلط بر تطبیق اقدامات و تصمیمات با مراد و روح قانون، توانایی بهتری در حل و فصل وقایع انتخاباتی را دارند و نسبت به سایر ناظرین در انتخابات، بهتر معنا و مفهوم قانون را درک می‌کنند و دیگر اینکه، برعکس ناظرین انتخابات که صرفاً به ارائه گزارش اکتفا می‌کنند، قضات می‌توانند متخلفین را مورد حکم و مجازات قرار دهند. در این نگرش، به محض اینکه نظام سیاسی به سطحی از رشد و کمال سیاسی برسد، که در آن احزاب سیاسی و عمومی مایل به ادامه

حیات مطلوب باشند، سپردن نظارت بر انتخابات به نهاد قضایی می‌تواند منجر به یک زندگی دمکراتیک عالی شود.

ت) اصل وجود نهادهای مدنی (Civil society)

نظام دمکراتیک به منزله تجلی اراده و حاکمیت مردم، متضمن کثرت‌گرایی سیاسی است. کثرت‌گرایی واجد وجوه عملی و مفاهیم عینی گوناگونی است. انتخابات، نظام نمایندگی شوراها، انجمن‌های ملی و محلی، سندیکاها، اتحادیه‌ها و سایر ساختارها و نهادهایی از این قبیل را دربرمی‌گیرد. اما مشخصاً در منسجم‌ترین و نظامندترین صورت خود در قالب احزاب سیاسی و سازمانهای غیردولتی و اتحادیه‌ها و سندیکاها بروز می‌نماید. ایده جامعه مدنی با نگرش کثرت‌گرایی، نقش مهمی در سازماندهی زندگی جمعی مردم در جامعه سیاسی دارد. از آنجایی که همواره دولت قوی‌تر از مردم به نظر می‌رسد و احتمال استبداد و خودرأیی وجود دارد، وجود هیأت‌های واسطه‌ایی برای مقاوم نمودن مردم در برابر دولت و بیان اراده خود لازم و ضروریست. «بر این اساس، حضور هیأت‌های حائل بین توده‌های بی‌نام از شهروندان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود تا به این وسیله زمینه مشارکت کردن مؤثر شهروندان در امور اجتماعی و سیاسی فراهم شود».[۵۸] لذا با پذیرش جامعه کثرت‌گرا و تنوع ایده‌ها است که می‌توان گفت «جامعه مدنی شامل تمامی نهادها و جنبش‌های فکری می‌شود که در جامعه بین حوزه دولت و حوزه فرد و خانواده قرار می‌گیرد».[۵۹] در مجموع، جامعه مدنی، جامعه‌ایی است که متشکل از گروه‌های ارادی و داوطلبانه مستقل و خودگردان که با هدف پیشبرد منافع و علایق و سلیقه‌های افراد عضو

۵۸. هاشمی، سید محمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی»، پیشین، ص ۶۲.
۵۹. احمدی، امیر، جامعه مدنی و توسعه ملی، (تهران: نقش و نگار، چ اول، ۱۳۸۱)، ص ۴۷.

تشکیل می‌شوند. این گروه‌ها می‌توانند تشکیل صنف، اتحادیه، باشگاه، انجمن، سازمان‌های غیردولتی یا غیرحکومتی، حزب، سندیکا، مؤسسات رسانه‌ای و غیره را پیدا کند.

ث) اصل وجود رسانه‌های آزاد و مستقل (Free and independent media)

رسانه‌ها و مطبوعات دارای کارویژه‌های مختلفی در نظام دمکراتیک بالاخص در فرآیند انتخابات و تحقق مشارکت مردم دارند؛ از جمله کارکردهای اصلی آن‌ها «پاسخگو نمودن دولت، اطلاع‌رسانی، آموزش مدنی شهروندان، مرتبط کردن مردم با حاکمان و نظارت و کنترل قدرت سیاسی»[۶۰] است. رضایت و مخالفت سیاسی مسالمت‌آمیز و مشارکت عامه مردم در زندگی سیاسی نیازمند آزادی بیان عقاید است. لازمه مشارکت فعال شهروندان در امور سیاسی و مسائل مربوط به سرنوشت خود، دسترسی آزاد آن‌ها به اطلاعات و اخبار است. به دلیل کارکردهای اساسی که مطبوعات و رسانه‌ها در حفظ و گسترش مردم‌سالاری و دمکراسی دارند، همیشه این دغدغه وجود داشته که دولت‌ها با محدود کردن دامنه آزادی آن‌ها حیطه قدرت خویش را گسترش دهند، اما از سوی دیگر این نگرانی‌ها، مبنای این اندیشه شده که دولت حق تسلط بر آزادی بیان و مطبوعات را ندارد، بلکه نظارت بر مطبوعات و رسانه‌ها برای تضمین سلامت فرهنگی و حق‌های مردم باید به عهده هیأت بی‌طرف مردمی و خارج از نفوذ و دامنه اقتدار دولت باشد. زیرا، آزادی بیان، حق مردم و رعایت آن تکلیف دولت است و هر گونه مزاحمت در محدوده کار

60. Lange, J, and Palmer, A. (Eds), Media and Elections, (Germany: European Institute for the Media, 1995), p 10.

مطبوعات و رسانه تخلف محسوب می‌شود.[۶۱] در راستای ایدهٔ انتخابات آزاد و منصفانه، رسانه‌های گروهی نقش مهمی در تضمین تحقق حق‌های سیاسی کاندیداها و احزاب سیاسی و مردم دارند. زیرا، رسانه‌ها، بی‌طرف و مستقل فرض می‌شوند و مکلف به طرح عقاید و افکار واقعی آن‌ها آن‌طور که هست، می‌باشند و این طرح آزادانه افکار و عقاید، خود می‌تواند مورد ارزیابی آزادانه سایر گروه‌ها و منتقدان قرار گیرد. در پی وجود مطبوعات و رسانه‌های مستقل و آزاد است که مردم می‌توانند اطلاعات و آگاهی‌های لازم را جهت شرکت فعال در انتخابات بدست آورند و مکانیزمی مؤثر و کارآمد برای نظارت بر انتخابات توسط مردم و گروه‌ها و نهادهای مدنی می‌باشد به‌طوری که دولت را شفاف و پاسخگو می‌نماید.[۶۲]

چ) اصل وجود مدیریت مستقل و کارآمد

از جمله شاخصه‌های بارز یک نظام انتخابات شایسته وجود نهاد مدیریتی مستقل، بی‌طرف و متخصص در زمینه برگزاری و اجرای انتخابات است. اهمیت این نهاد در تحقق انتخابات دمکراتیک از آن جهت است که نقش مهمی در تضمین حقوق انتخاباتی و سیاسی شهروندان و سلامت انتخابات دارد. زیرا، در نتیجه عملکرد این نهاد است که حقوق سیاسی و انتخاباتی در فرآیند انتخابات چهره عملی به خود می‌گیرد. حال اگر نهاد مدیریت انتخابات فاقد خصیصه‌های بی‌طرفی، استقلال و تخصص باشد، نتیجتاً باید شاهد

---

۶۱. معرفت، محمد هادی، «آزادی در نظام حقوقی اسلام»، اندیشه حوزه، ویژه آزادی، سال پنجم، شماره ۴، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ص ۱۶۲.

62 . Bernd, Peter and Ward, David, The Media and Election, (Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates, 2004), p 198.

نقض حق‌های شهروندان و بی‌ثباتی حکومت و حتی خودکامگی بود. به جهت اینکه این نهاد در راستای برگزاری یک انتخابات اصیل، آزاد و منصفانه و حقوق انتخاباتی شهروندان و پارلمان کارآمد که تبلور اراده واقعی مردم باشد، حرکت کند، می‌بایستی به موجب قانون اساسی تأسیس و وظایف آن به صراحت مشخص شود. همچنین از لحاظ ساختاری و سازمانی تحت سیطره و نفوذ هیچ‌یک از نهادهای حکومتی نباشد، از این رو، اعضای آن باید به شیوه‌ایی کاملاً روشن و دمکراتیک از نهادهای مختلف حکومتی و غیر حکومتی تشکیل شود، به‌طوری که در مقابل آن‌ها و عموم کاملاً پاسخگو باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه عنوان شد می‌توان به‌طور مختصر گفت که انتخابات دموکراتیک زمانی واقعیت بیرونی پیدا می‌کند که زمینه‌ها و سازوکارهای شایسته و مطلوبی در نظام سیاسی و حقوقی جامعه جهت تحقق عملی و واقعی ارزش‌های پایه‌ایی موجود در اجتماع فراهم شده باشد. آنچه که باید به عنوان پایه و اساس چنین انتخاباتی مدنظر قرار بگیرد کرامت انسانی و آزادی و مختاریت انسان و حق بنیادین وی در تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی می‌باشد. اما صرف اعتقاد به چنین پایه‌هایی نمی‌تواند ایجادکنندهٔ انتخابات دموکراتیک باشد، بلکه با مدد گرفتن از اصول و ارزش‌های بنیادین و سازوکارهای مطلوب و تأسیسات کارآمد دیگر در مسیر تحقق عملی انتخابات اصیل و دموکراتیک گام برداشت. بی شک نقص در هرکدام از عناصر اجرایی و تکمیلی پایه‌ای موجه ساز انتخابات دموکراتیک می‌تواند منجر به نقض رسالت انتخابات اصیل شود. به عبارتی، با فقدان اصول و ارزش‌هایی نظیر آزادی سیاسی، حاکمت قانون، پاسخگویی، شفافیت، استقلال قضایی و آزادی نهادهای مدنی در نظام سیاسی و حقوقی جامعه، مختاریت و آزادی اراده انسان و حق تعیین سرنوشت وی از مسیر انتخابات بروز و ظهور نخواهد یافت و در نتیجه نظام‌های تمرکزگرا و استبدادی جایگزین نظام‌های مردمی و عادلانه خواهند شد. در حالی که فلسفه مهم تأسیس انتخابات ایجاد نظام‌های مردمی و عادلانه است.